

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی

نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
( بخش خاورمیانه )

شماره ۳۰ سال سوم

مهر ۱۳۵۱

دوره چهارم

« جریانه باختر امروز »

نشرة

منظمات الجبهة الوطنية الايرانية

في الشرق الاوسط

العدد الثلاثين

السنة الثالثة

المرحلة الرابعة

تشرين الاول ۱۹۷۲

برای تسریع در امر انقلاب منطقه خاورمیانه ،  
و برای برهم زدن تعادل قوا بنفع انقلابیون ، باید همکاری  
و هماهنگی عملی نیروهای انقلابی طبق برنامه روشنی  
تحقق یابد . اهمیت و یکپارچگی انقلاب خلقهای  
خاورمیانه از یکطرف ، و تجهیزات دشمن از طرف دیگر ،  
ایجاب میکند که نیروهای انقلابی طبق برنامه روشنی  
همبستگی خلاقی را تدارک و سازمان دهند .

برنامه استراتژیکی مورد نظر باید با شرکت نیروهای  
انقلابی در خاورمیانه سازمان داده شوند و همکاریهای  
انقلابی مداوم و وسیعی جایگزین روابط و همکاریهای  
لحظه ای و محدود فعلی گردد . با اتخاذ چنین مشی  
انقلابی است که قادر خواهیم شد مقاومت امپریالیسم  
و ارتجاع را علیرغم سازشهای بین المللی درهم شکسیم .  
وظیفه تمام نیروهای انقلابی و مترقی است که برای  
پیروزی انقلاب در خاورمیانه متحد شوند .

## تداوم انقلابی و ضد انقلابی

موج اعتراضی وسیعی که در ایران به دفاع از  
مبارزین قهرمان وطن بوجود آمد . شاه را در محظور  
اضطراب آوری قرار داد . از یکطرف خشم نیروهای  
خلقی روز بروز افزون میگشت و این خود علاوه بر  
عواقبی که برای رژیم داشت باعث میشد که بسیاری  
از عناصر بینابینی و لیبرال منش نیز تحت تاثیر فشار  
افکار عمومی ( که نمونه هائی از آنها در شماره های  
گذشته آوردیم ) و نیز ترس از افزایش خشم مردم ،  
به نوبه خود نسبت به روش رژیم اعتراض کنند و در  
چند مورد حتی کسانی که در وابستگیشان به رژیم  
تردیدی نیست به شاه فشار بیاورند که از اعدام  
غرضندان خلق چشم پویشد . از طرف دیگر ، بنظر  
شاه ، اعدام نکردن این مبارزین علاوه بر اینکه به  
نیروهای بالقوه انقلابی دل و جرات میداد ( که این  
خود تصوری است از مبنای محاسبات سوداگران  
و نه انقلابی ، چه محرك انقلابیون در مبارزه شرایط  
عینی جامعه است و نه قهر یا عطوفت شاه ) خطر  
بزرگتری داشت که شاه آنها بدین صورت برای شفاعت  
کنندگان خلاصه کرد : ۱- خطر انتقال تجربه انقلابی  
۲- خطر گروگان گرفتن و آزاد کردن زندانیان .  
این دو ، در حقیقت يك مطلب را بیان میکنند .  
و شاه و بعبارت بهتر اربابان او خطر را خوب تشخیص  
داده اند .

مسئله مرکزی ، مسئله تجربه است .  
تجربه انقلابیای جهان نشان میدهد که تنها افراد  
و سازمانهایی قادر به پیشبرد کار انقلابی هستند که  
یک سلسله تجربیات گذشته ضامن بقای آنها باشد .  
سازمانهایی که در طول سالیهای مداوم مبارزه از  
شکستها و پیروزیها درس آموخته اند و میدانند که  
درس گرفتن ، بمعنای بکار بردن روش صحیح تر در  
اقدامات آینده است و نه جمع بندی کردن و در کنج  
کتابخانه بدست فراموشی سپردن میدانند که باید  
عصاره تجربیات گذشته را در اقدامات آینده متبلور کرد  
و کاردانی و کارائی افراد را به سرحد کمال رسانید .  
بگفته یکی از انقلابیون خلق ایران « ما نه تنها در مورد  
شکستهای گذشته بشدت از خود انتقاد میکنیم ، بلکه  
در مورد پیروزیهایمان نیز بهمان شدت نقد و انتقاد  
میکنیم » و این درسی است که فقط در مکتب عمل میتوان  
آموخت و معنای آنها فهمید و این اندیشه ، که نمونه  
بر جسته قدرت کسانی است که در میدان عمل  
آموخته اند که مطلق گرائی را جانی دو انقلاب نیست ،  
حاصل يك عمر تجربه است . شکست در ذهن مطلق  
گرا ، از همه جهت محکوم است و پیروزی بر عکس  
قابل تمجید . ولی در عمل چنین نیست . شکست يك  
اقدام ، بلاشک در اثر عدم توجه به جنبه ای از جنبه های  
مختلف مسئله است . ممکن است همه پیشبینی های  
درست در اثر يك غفلت منجر به شکست شود . این  
بمعنای خطا بودن همه پیشبینی ها نیست . بلکه باید  
دید در کدام يك خطا بوده است . و اینرا ، یعنی  
انتقاد از شکست را همه شنیده ایم ، گرچه بسیاری با  
بینشی ناصحیح و مطلق گرا با آن برخورد میکنند . اگر  
اقدامی شکست خورد در محکوم کردن آن از همه جهت  
بقیه در صفحه ۳

## برنامه تهاجمی امپریالیسم و پراکندگی نیروهای

### انقلابی در خاورمیانه

سابق مجهز سازند تا قادر شود علاوه بر سرکوب جنبش  
انقلابی ایران ، نقش سک پاسبان منافع امپریالیستها  
را در خاورمیانه بعهده بگیرد . باید توجه داشت که  
در این برنامه امپریالیستها منابع سرشار نفت و نیروی  
کار ارزان در ایران از جمله پشتوانه نقشه آنها  
بجساب آمده است .  
امپریالیستها برای نقشه خود در دو سطح مشغول  
فعالیت شدند :  
۱- مسائل داخل ایران  
از نظر داخل سرکوب هرچه بیشتر سازمانهای  
مترقی و انقلابی ایران پرداختند ، انقلاب سفید شاهانه را  
طبق برنامه و روستو ، براه انداختند تا از طرفی  
زحمتکشان فقیر را بفریبند و از طرف دیگر شرایط  
بسط بازار سرمایه داری جهانی را در ایران فراهم  
سازند . سازمان « امنیت » را بصورت شعبه ای از  
سازمان جاسوسی امریکا در آوردند تا نه تنها در ایران  
عمل کند بلکه شعبات آن - بصورت پوششی بنام  
خیبرگزارها ، بانکا و شرکته و سفارتخانه های  
ایران - در خارج بفعالیت بپردازد . ارتش دوپست  
هزار نفری را با ابزار جدید جنگی ( هوایی - زمینی -  
دریائی ) برای نقشه خود در خاورمیانه مجهز ساختند  
که بررسی تجهیزات جنگی رژیم شاه بخوبی نشان  
میدهد که هدف از تدارک آن تنها سرکوبی انقلاب در  
ایران نیست ، بلکه حفاظت منافع امپریالیستها را در  
منطقه بعهده دارد و تحت عنوان « حفظ آرامش و امنیت  
منطقه ، قصد تجاوزات نظامی دارد .

اولین اقدام جدی و مشترک امپریالیستها ،  
سرنوشتی حکومت مصدق درسال ۱۳۳۲ بود که اینهاور  
آنها یکی از اقدامات مهم دوران ریاست جمهوری ذکر  
کرد و آنتونی ایدن در خاطرات خود نوشت که پس از  
سقوط حکومت مصدق توانست خواب آرامی داشته  
باشد .  
با سقوط حکومت مصدق نیروهای امپریالیستی در  
صدد برآمدند بمنظور تأمین منافع خود و سرکوب جنبش  
ضدامپریالیستی مردم ، حکومت دیکتاتوری متمرکز و  
با قدرتی بار دیگر در ایران بوجود آوردند . این نقشه  
خود را با اقدام و حبس انقلابیون و آزادیخواهان و  
سرکوب سازمانهای سیاسی ، تصفیه دستگاه دولتی از  
عناصر مترقی و دخالت پلیس در تمام زندگی مردم شهر  
و ده ، تجهیز ارتش وغیره عملی کردند .  
نگرانی از توسعه جنبش های ضدامپریالیستی در  
خاورمیانه و همچنین تجربیات تلخی که تجاوزکاران  
امپریالیست از پیاده کردن نیروی نظامی در کشورهای  
مختلف ، بخصوص در ویتنام داشتند ، آنها را باین فکر  
انداخت که با برنامه ای از قبل آماده و حساب شده ای  
از طریق نوکران بومی خود در خاورمیانه پیش بروند .  
امپریالیسم امریکا و انگلیس بتوافق رسیدند که  
شاه را که از سکهای دست پرورده آنها است بیشتر از

## جاویدان بادخاطره دلاوران خلق

شرح حال سه نفر از اعضاء چریکهای فدائی خلق  
که در واقعه سیاهکل شهید شدند توسط یکی از  
دوستان آنها ارسال شده که درباختر امروز مندرج  
میکنیم :  
مهندس سیف دلیل صفائی :  
او در سنگسر سمنان دریک خانواده کارگری  
متولد شد ( پدرش کارگر راه آهن است ) . دوره  
ابتدائی و متوسطه مدرسه را در بندر شاه و ساری  
گذراند و در سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده پلی تکنیک  
گردید و در سال ۱۳۴۵ در رشته مکانیک مهندس و  
فارغ التحصیل شد . صفائی در دوران تحصیل  
دانشگاهی وارد فعالیت های صنفی و سیاسی شد و در  
بقیه در صفحه ۴

را  
م  
براز  
سان  
اع  
سل  
را  
های  
از  
که  
و  
ضاه  
یات  
پس  
زند  
لابی  
اورا  
او  
ران  
او  
رفق  
نون  
مهد  
باد

سی زد

## پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی

برنامه تهاجمی امپریالیسم ویراکندگی نیروهای انقلابی در خاورمیانه

هم اکنون شاه برای ارتش خود هشتصد تانک «چیفتن» خریداری کرده و قصد دارد تعداد آنرا به هزار و پانصد عدد برساند. این تانکها از قویترین تانکهای جهان هستند و دستگاههای بردیاب با اشعه لیزر برای تانکهای مزبور سفارش داده است. تعداد چهل فروند کشتی هلیکوپتر دار که همه بمسلسل و یا موشک مجهز هستند و تعداد دوست هلیکوپتر جدید و مجهز دیگر نیز خریداری کرده است. در ضمن تعداد ۱۳۵ فروند هواپیمای فانتوم خریداری کرده است.

برای نیروی دریایی چهارده «هاور کرافت» مجهز بمسلسل سنگین که روی بعضی از آنها موشک نصب شده خریداری کرده. فعلا یک ناوشکن بنام «آرتیس» ساخت انگلستان و چهار ناو آمریکائی دارد و چهار ناوشکن دیگر هر یک بقیمت ۵۰ میلیون لیره استرلینگ، معادل نود میلیون تومان نیز از انگلستان خریداری کرده (دو عدد آن بنام «زال» و «سام» تحویل داده شده اند) و دو ناوشکن ساخت آمریکا نیز بزودی با تجهیزات مدرن اضافه خواهند شد. همچنین دو کشتی کمکی در انگلستان در دست ساختن است که روی این کشتیها هواپیماهای مختلف میتوانند فرود آیند. دو نوع موشک از نوع «تایکرت» و «سیکت» خریداری کرده و موشکهای از نوع «رایپر» نیز سفارش داده که در همه نوع شرایط جوی میتوانند مورد استفاده قرار گیرند.

۲ - برنامه امپریالیستها در مجموع خاورمیانه

امپریالیستهای آمریکا و انگلیس برای پیشبرد مقاصد خود با طرحهای مختلفی وارد عمل شدند که اهم آنها عبارتند از:

پیمان سنتو:

تشکیل پیمان سنتو بمنظور بزرگتر کشیدن خلقهای خاورمیانه و رسمی کردن دخالتهای امپریالیستی در امور کشورهای عضو پیمان بوجود آمد.

پیمان اسلامی:

امپریالیستهای آمریکا و انگلیس بخوبی درک کرده بودند که همه کارها را از طریق اسرائیل نمیتوانند انجام دهند، ولی با امثال شاه، ملک حسین، ملک فیصل ۰۰۰ میتوانند تحت عنوان حکمرانان کشورهای اسلامی با سوء استفاده از احساسات مردم و با توجه به برخوردهای سطحی بعضی از سیاستمداران عرب، بقیه کشورهای این منطقه را تحت شعار «اسلامی بودن» در پیمانی بعنوان «پیمان اسلامی» تحت نفوذ و قیود خود در آورند. در این راه کنوششهای فراوانی کردند ولی هوشیاری بعضی از دول مترقی عرب و سازمانهای انقلابی، مانع اجرای این طرح شد، ولی هنوز تحت عنوان کنفرانسهای اسلامی، رژیمهای نظیر رژیم شاه در حرف با اعراب ابراز دوستی میکنند ولی در عمل از همکاری صمیمی صهیونیستها هستند.

جنگ ژوئن ۱۹۶۷

قبل از جنگ ژوئن ۶۷ امپریالیستها صورت لزوم بکمک نوکران خود بشتابند. با همکاری صهیونیستها چندین بار بجنگ تجاوزکارانه در خاک اعراب دست زدند ولی بشکست نیروهای ارتجاعی منجر گردید. در ژوئن ۱۹۶۷ صهیونیستها که از نفوذ کشورهای مترقی و همبستگی آنها نگران بودند با حملات هوائی خود بخاک سوریه و سایر کشورهای عربی را نیز برانگیختند که با اسرائیل وارد جنگ شوند. صهیونیستها آگاه بودند که ارتش کلاسیک و بی نظم بعضی از کشورهای عربی قادر بمقاومت نیستند لذا با این برنامه خود قصد تضعیف جنبش های مترقی و اشغال سرزمینهای جدیدی را داشتند. در این جنگ اعراب شکست فاحشی خوردند، ولی چیزی که ارتجاع نمیتوانست در محاسبه خود بیاورد این بود که در بطن این شکست و زوال ابزار کهن، سازمان جدید التاسیس انقلابی مردم فلسطین رشد کرده و متبلور خواهد شد و نقش پیشگراول انقلاب را علیه ارتجاع بعهد خواهد گرفت. و این از نظر استراتژیک جنبه مثبت این جنگ تجاوز کارانه بود.

طرح راجرز

در حقیقت پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷، سازمانهای چریکی فلسطین بعنوان عامل پیشاهنگ انقلاب در منطقه وارد عمل شدند. عملیات انقلابی فدائیان و محبوبیت آنها بین توده مردم، خطر جدی برای امپریالیستها، صهیونیستها و کلیه مرتجعین منطقه محسوب میشد. لذا ارتجاع باشکال مختلف کوشید تا علیه انقلاب فلسطین اقدام کند.

توطئه امپریالیستها توسط نیروی ارتجاع منطقه و در راس آنها از طریق ملک حسین خائن یکی پس از دیگری تعقیب میشد. اسناد انتشار یافته ای نشان میدهند که قبل و بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ روابط مخفی و صمیمانه ای بین ملک حسین و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب فلسطین و نیروهای مترقی عرب وجود داشته. در راس تمام این توطئه ها، طرحی بود که از طرف آمریکا در سال ۱۹۷۰ آماده شده بود که بنام «طرح راجرز» معروف گردید. طرح راجرز در حقیقت دمی برد که امپریالیستها گسترده بودند تا با ضیولاندن آن طرح بدول مترقی عرب و توافق با قدرتهای بزرگ دیگر، موجودیت دولت صهیونیستی را تضمین کنند و انقلاب فلسطین را نابود سازند. وهمانطور که میدانیم با قبول این طرح از طریق دولتهائی نظیر مصر، ضربات شدیدی به جنبش مردم وارد آمد. و از آنجائیکه سازمانهای فلسطین بمخالفت شدید علیه این طرح برخاستند، سپتامبر خوزین ۱۹۷۰ توسط آمریکا - اسرائیل - اردن و با همکاری مرتجعین منطقه بوجود آمد و منجر بقتل عام مردم فلسطین و سرکوب سازمانهای چریکی شد. و در حقیقت جنگ سپتامبر ملک حسین علیه چریکها در رابطه با مجموعه خیانت او و در تکمیل طرح راجرز بود که بمرحله اجرا درآمد.

خروج نیروهای نظامی انگلیس از خلیج فارس:

هرالد ویلسون نخست وزیر پیشین انگلیس در ژانویه ۱۹۶۸ اعلام کرد که دولت او تصمیم دارد تا ۱۹۷۱ قوای انگلیس را از خلیج خارج کند. این تصمیم جز یک تغییر لباس چیز دیگری نبود. زیرا انگلستان میخواست با توافق و همکاری امریکا شیوه جدیدی برای حفاظت منافع خود فراهم آورد. پس از مدتی هردو نیروی امپریالیستی بتوافق رسیدند که رژیم شاه و اتحادیه ای از امارات خلیج این وظیفه را بعهد بگیرند. پس از دولت ویلسون، دولت محافظه کار که ابتدا در فشار ارتجاعی ترین جناح خود - که هنوز شیوه قدیمی استعمار را می پسندد - با خروج نیروها مخالفت میکرد ولی بعدا فهمیدند که این تغییر لباس بنفع آنها است. در اسناد داخل حزب محافظه کار که چهار ماه قبل از رسیدن بقدرت بنام «دفاع خارج از ناتو» تهیه کرده بودند، از جمله راجع بخلیج اشاره شده که باید با ایجاد یک نیروی نظامی با منشأ محلی و بومی بپردازند.

دولت محافظه کار انگلیس برای اینکه نحوه خروج قسمتی از نیروهای خود را بررسی کند و سیستم مطمئن را جانشین آن سازد، یکی از افراد با سابقه مستعمرات چی خود بنام ویلیام لوس، را بصورت نماینده ویژه بخاورمیانه اعزام داشت. ویلیام لوس از جمله وظیفه داشت که سیاست ایران و عربستان سعودی را با سیاست بریتانیا تطبیق دهد و با سیاست امریکا در این منطقه همگون سازد و چاره ای برای سرکوب انقلاب در ظفار و عمان بیابد.

ویلیام لوس یکی از دشمنان شناخته شده جنبش مردم عرب است. او ابتدا مأمور مستعمراتی انگلیس در سودان بود و از سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۵۶ حکمران عدن شد و شخصا مسئول سرکوب جنبش کارگری و ملی انجا گردید. و در سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۶۰ بعنوان مشاور سیاسی در بحرین خدمت میکرد و در سرکوب جنبش مردم قطر در سال ۱۹۶۳ و بحرین در سال ۱۹۶۵ مسئولیت مستقیم داشت. او پس از این ماموریتها مدیریت امور بانکی و تجاری موسسات امپریالیستی را در خلیج بعهد داشت.

با وجودیکه همه حکمرانان امارات خلیج از دست پروردگان انگلیس هستند ویلیام لوس در تشکیل فدراسیون امارات عرب بعلت ناهمگونی و رقابت آنها بایکدیگر دچار اشکال شده بود. شاه نیز از آنجائیکه میخواست یگانه نوکر صدیق امپریالیسم در خلیج باشد از تشکیل فدراسیون اظهار ناخشنودی میکرد. بالاخره فدراسیون امارات عرب در هشتم ژوئیه ۱۹۷۱ مطابق نقشه انگلیس و امریکا از امر نشین های ام القویین - دوی - ابو ظبی - فجیره - شارجه - عجمان تشکیل شد و استقلال خود را در دوم دسامبر ۱۹۷۱ اعلام نمود.

نحوه خروج نیروهای انگلیس و جایگزین شدن نیروی نظامی شاه در این منطقه در کنفرانس سنتو که با شرکت پوزرای خارجه اعضاء پیمان

در آوریل ۱۹۷۱ تشکیل شده بود مورد بررسی و تایید قرار گرفت. در دسامبر ۱۹۷۱ انگلستان نیروی خود را خارج کرد ولی پایگاههای خود را در سلطان نشین عمان حفظ نمود و مشاورین و نیروی نظامی اجیر شده ای نیز جهت کنترل فدراسیون امارات عرب باقی گذاشت و پایگاه نیروی دریائی خود در بحرین را نیز بامریکا واگذار نمود.

سلطان نشین عمان:

دولت انگلستان گرچه تصمیم گرفته بود نیروهای خود را از خلیج خارج کند ولی در مورد عمان پایگاههای خود را حفظ کرد و در تقویت آن کوشید، زیرا جنبش انقلابی در ظفار که از طریق جمهوری توده ای یمن حمایت میشود قادر شده است قسمت عمده خاک ظفار را آزاد کند و کنترل این منطقه را در دست بگیرد. هدف جنبش انقلابی مزبور اینستکه مبارزه مسلحانه را از ظفار به عمان و بقیه نقاط خلیج توسعه دهد. امپریالیستها و ارتجاع محلی واقفند که اگر نیروهای انقلابی به تنگه هرمز در خلیج تسلط یابند، با کنترل این محل استراتژیک تمام منافع امپریالیستها بخاطر خواهد افتاد. انگلیس علاوه بر حفظ نیروهای خود در عمان در صدد بر آمدند که سعید بن تیمور را که ۳۹ سال خدمتگذار انگلستان بود، ولی آدم خود فروخته عقب مانده ای بود که با یرنگهای نواستعماری آشنائی نداشت از سلطنت خلع کنند. ابتدا شایعه گردید که دیوانه شده، سپس کودتائی ترتیب دادند و پسرش قابوس را که از تربیت شدگان مدرسه نظامی «سندهورست» بریتانیا بود بجای پدر نشاندند. جالب اینکه نقشه کودتا بحدی علنی و در رابطه با همکاریهای رژیم شاه بود که یک هفته قبل از انجام کودتا جراید رژیم نوشتند که در هفته آینده بطور یقین در عمان کودتا خواهد شد.

قابوس در مرداد ۱۳۴۹ زمام امور را بپست گرفت و رسماً طی تلگرافی که بشاه ایران فرستاد از او خواست که از حکومت جدید عمان پشتیبانی کند.

انگلیسها میخواستند با این کودتا باصطلاح دست باصلاحاتی بزنند و وعده ای از ازشمار میانه حال را بفریبند و از طرف دیگر تبلیغات شدیدی در بیان افراد عقب مانده مذهبی علیه جنبش ظفار برآوردند. آنها ضد اسلام هستند. پس از انجام کودتا نیمی از در آمد کشور را بارتش اختصاص دادند و تعداد آنرا از ۲۵۰۰ به هفت هزار نفر رساندند. اکنون قریب ۶۰ خلیبان و ۱۲۰ افسر انگلیسی اداره ارتش عمان را در دست دارند.

انگلیستان یک پایگاه در «صلاله» دارد که افراد آن از نیروی ضد انقلاب انگلیس و تجسره دیده در مسالابا میباشد. همچنین یک پایگاه هوائی در جزیره «مصیره» در نزدیکی ساحل ایالت «الشریق» دارد و مشغول ساختن پایگاههای جدیدی نیز هستند. نیروی هوائی انگلیس با اسم «سرویس هوائی بقیه در صفحه ۳

پیروز باد خلق فلسطین پیشقراول انقلاب مردم خاور میانه

برنامه تهاجمی

مخصوصاً SAS در عملیات بمباران و حملات جنبش انقلابی ظفار مرتب شرکت دارد . ارتش عمان اغلب از افراد اجیر شده بلوچ هستند و خلبانان و افسران آنرا انگلیسی ، اردنی ، پاکستانی ، کانادایی ، ایرلندی و استرالیایی تشکیل می دهند . ظفار و عمان بعلت منابع نفت بدون سولفور و موقعیت استراتژیک دارای اهمیت زیادی میباشند . اکنون سرمایه داران جهانی بفعالیت شدیدی برای غارت عمان پرداخته اند . کمپانی شل نقش کلیدی در سیاست عمان بازی میکند . شرکت «هوج تیف» آلمان غربی مشغول ساختن جاده و بندرهای جدیدی در عمان میباشد . باکودتای امپریالیستی در عمان ، قابوس یک پیمان «برادری» با شاه امضا کرده تا بهتر بتواند علیه انقلابیون عمل کند . بدنبال مسافرت راجرز به خلیج مشاور سلطان قابوس ، تونی بن شهاب در ۲۷ تیر ۱۳۵۱ بایران رفت تا ترتیب کمکهای فنی و نظامی به عمان داده شود و قرار است در آینده نزدیکی سلطان قابوس بایران برود تا با رئیس دزدان منطقه قرار داد جدیدی امضا کند .

تصرف جزایر توسط شاه :

تصرف جزایر ابو موسی ، تنب کوچک و بزرگ توسط رژیم شاه در تاریخ نهم آذر ۱۳۵۰ در تنگه هرمز در رابطه با مجموع نقشه استراتژیک امپریالیستها در خاورمیانه و بمنظور کنترل خلیج فارس و حفاظت منافع آنها با اشاره امریکای انگلیس صورت گرفت . نقشه امپریالیستها اینستکه از طریق رژیم شاه پایگاه نظامی مهمی در این جزایر جهت سرکوب انقلاب و تضمین منافع خود ایجاد کنند .

مسافرت راجرز به خلیج فارس :

مسافرت راجرز در تیر ماه ۱۳۵۱ به خلیج فارس در حقیقت در تکمیل ماموریت ویلیام لوس از انگلستان بود . او میخواست امریکا را از طرح مشترک با انگلیس مطمئن سازد و کمبودهای آنرا فراهم کند . بدنبال مسافرت راجرز ، ژوزف سیسکو معاون وزارت خارجه امریکا طی گزارشی به سنای امریکا درباره خلیج فارس میگوید : «... تا آنجا که بتوانیم از کوششهای دول جدید التاسیس منطقه برای تحکیم استقلال آنها پشتیبانی میکنیم ...» «... امریکا به حفظ ثبات خلیج فارس بدلائل اقتصادی و استراتژیکی علاقمند است . امریکا در نفت کشورهای خلیج فارس منافع اقتصادی و استراتژیکی مهمی دارد و اینکه این منطقه همواره آماده صدور نفت داشته است برای اقتصاد کشورهای هم

همبستگی عملی و رابطه عمیق انقلاب خلقهای خاورمیانه توجه نکرده اند ، هنوز در پراکندگی وبدون برنامه استراتژیک واحد منطقه ای عمل میکنند . بغیر از جمهوری توده ای یمن جنوبی که باوجود امکانات محسود خود ریگیزانه بانقلاب ظفار کمک میکند ، بسیاری از کشورهای مترقی این منطقه برخوردارند . جنبش انقلابی این منطقه دارند و روابط آنها با سازمانهای مبارز و انقلابی بطور لحظه ای ، تاکتیکی و بمنظور مانورهای سیاسی میباشد . لذا می بینیم که امپریالیستها و ارتجاع گرچه در هر یک از کشورهای خاورمیانه مواجه با بحران و مقاومت جنبش های انقلابی هستند ، ولی در مجموع منطقه ابتکار عمل را در دست دارند . برای تسریع در امر انقلاب منطقه خاورمیانه ، و برای برهم زدن تعادل قوا بنفع انقلابیون ، باید همکاری و هماهنگی عملی نیروهای انقلابی طبق برنامه روشنی تحقق یابد . اهمیت و یکپارچگی انقلاب خلقهای خاورمیانه از

یکطرف ، و تجهیزات دشمن از طرف دیگر ، ایجاب میکند که نیروهای انقلابی طبق برنامه روشنی همبستگی خلاقی را تدارک و سازمان دهند . گرچه جنبش های انقلابی در هر یک از کشورهای خاورمیانه مواجه با بحران و مشکلات درونی خود میباشد ، ولی باوجود این میتوان راههای پراتیکتی برای همکاریهای عملی و کمکهای متقابل جهت گسترش جنبش انقلابی و هماهنگ ساختن جنگ آزادیبخش خلقهای خاورمیانه فراهم کرد . برنامه استراتژیکی مورد نظر باید با شرکت نیروهای انقلابی در خاورمیانه سازمان داده شوند و همکاریهای انقلابی مداوم و وسیعی جایگزین روابط و همکاریهای لحظه ای و محدود فعلی گردد . با اتخاذ چنین مشی انقلابی است که قادر خواهیم شد مقاومت امپریالیسم و ارتجاع را علیرغم سازشهای بین المللی درهم شکستیم . وظیفه تمام نیروهای انقلابی و مترقی است که برای پیروزی انقلاب در خاورمیانه متحد شوند .

تداوم انقلابی و ضد انقلابی

با هم مسابقه میگذاریم و ... ولی انتقاد از موفقیت چطور ؟ « در بررسی موفقیت هایمان متوجه شدیم که در مورد پاره ای از مسائل حساب ما در ست نبوده معهلاً بعلت نادانی خاص دشمن و یا يك تصادف مساعد در آن اقدام خاص موفق شدیم . این موفقیت نباید ما را بفریبد و تصور کنیم که همه پیش بینی های ما درست بوده است . باید جزء بجزء حوادث را صرف نظر از نتیجه آنها موشکافانه انتقاد کنیم » آری خود را فریب ندهیم ، غره نشویم ، دلسرد هم نشویم ، کل يك اقدام را صحیح یا ناصحیح تصور نکنیم و بدانیم که آنچه در عمل صورت تحقق بخود میگذرد منتهج عملکرد واقعیتها است و نه تبلور ذهنیتها . و این برای آنهاست که میخواهند پیروز شوند و نه برای آنها که میخواهند خود را و قدرت خیال پردازی خود را - ولو غیر قابل انطباق با واقعیتها - بنمایانند .

فهم این درس و حاصل تجارب دیگر ، کار مشکل نیست . ولی بکار بردن آن در عمل احتیاج به درگیر بودن در کار و تجربه دارد و این جاست که ارزش واقعی پویان ها و حنیف نژادها ، احمدزاده ها و بدیع زادگانها و کنترائی ها ، برای جنبش معلوم میشود . و از اینجاست که شاه خود را مجبور به کشتن مجرب ترین آنها می بیند .

گرچه شاه این نکته را درست تشخیص داده ولی جنبه دیگر قضیه را کور خوانده است . خلق ما هزاران هزار فرزند برومند بوجود آورده است که آنها را نه شاه و نه اربابان او نمیتوانند بیابند . باز ، سعید محسنها را اگر عناصر منفردی بودند شاید میشد تک تک نابود کرد . ولی آنها تنها نیستند . تجربه آنها ، تجربه سازمان آنهاست . بدنه سازمان است که در پیکار مجرب شده و چنین تجاربی است که از مهدی رضائی ۱۹ ساله يك قهرمان مبارز میسازد و اینها هستند که پرچم مبارزه را بدوش خواهند کشید . سازمانهایی که از بطن مبارزات مردم نشأت گرفته ، پابنای خلق بییش آمده ، آبدیده و آزموده شد . و رشد یافته اند . و این را ، این تداوم سازمانی و عملکرد انقلابی قهر و خشونت نمی تواند از میان ببرد . و این است آنچه که شاه نمیتواند ببیند و بفهمد و بقیه در صفحه ۴

تکیه از ماست -

راجرز و سیسکو در مسافرت خود کوشش بعمل آوردند تا اتحادی از ایران و عربستان سعودی برای همکاری با سایر دست نشاندهگان در این منطقه بوجود آورند . و با کمکهای فنی و نظامی با ارتجاع ایران برنامه تجاوز بمنطقه و سرکوب انقلاب خلقهای این منطقه را بوسیله يك ارتش منظم و قوی و بومی منطقه ای عملی سازند .

امریکا اکنون علاوه بر پایگاه دریائی در بحرین «مستقل» ، چند پایگاه هوائی نیز در عربستان سعودی دارد تا در صورت لزوم بکمک نوکران خود بشتانند .

وضع نیروهای انقلابی :

نگاهی باوضاع و احوال داخلی ایران نشان میدهد که برنامه «انقلاب سفید» شاهانه با شکست مفتضحانه ای روبرو شده و سازمانهای انقلابی ایران علیرغم اختناق و دادن صدها اعنام ، وبا وجودیکه بیش از بیست هزار نفر در زندانهای شاه اسپرند ، پیگیرانه بمبارزه ادامه میدهند .

جنبش انقلابی در ترکیه در حال گسترش است . جنبش انقلابی فلسطین تا سال ۱۹۷۰ رشد کرده و نصیح گرفت ولی پس از سپتامبر ۷۰ با بحران روبرو شد ولی هنوز نقش انقلابی آن اهمیت ویژه ای در خاورمیانه دارد . جنبش انقلابی در ظفار پیروزمندانه ادامه دارد ولی با خطرات جدی امپریالیسم و ارتجاع روبروست . در سایر نقاط خاورمیانه جنبش های مسلحانه و دیگر اشکال مبارزات ضد امپریالیستی ادامه دارند . در مجموع شرایط انقلابی مناسبی برای رشد و گسترش جنگ آزادیبخش خلقهای خاورمیانه وجود دارد ، ولی از آنجائیکه نیروهای انقلابی این منطقه با اهمیت

این حق مسلم توده ها است که خشونت پمپراسیم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

# باختر امروز

## اخبار

### همکاری ارتجاع افغانستان با شاه

بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ایم، فرخ نگهدار یکی از مبارزین گروه جزئی که پس از تحمل سه سال زندان آزاد گردیده بود، پس از آزاد شدن به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه میدهد و در ارتباط با این فعالیتهای بافغانستان می‌رود. ولی ماه مورین رژیم ارتجاعی وفاسد ظاهر شاه، او را پس از دریافت پنجاه هزار تومان بسازمان «امنیت» ایران تحویل میدهند. و طبق اطلاع رسیده رژیم شاه او را پس از شکنجه، در دادگاهی مخفی و بدون اطلاع مردم بحبس ابد (محکوم) کرده است.

طبق اخباریکه از افغانستان بدست ما رسیده، فقر و عقب ماندگی شدیدی در انکشور حکمفرما است. دو اثر گرسنگی تاکنون چندین هزار نفر از مردم افغانستان بایران، پاکستان، عراق و اتحاد جماهیر شوروی مهاجرت کرده‌اند. تنها در سال قبل در شهر هرات که وضع نسبتاً بهتری دارد ۴۷۵ نفر بخاطر قحطی جان سپرده‌اند.

هیئت حاکمه و دربار ارتجاعی آنکشور که در راس دستگاه فاسدی قرار دارند، با استثمار شدید زحمتکشانش و ترویج قاچاق و رشوه خواری، مانع هرگونه تحول و پیشرفتی هستند.

در افغانستان گروهها و سازمانهای مترقی متعددی علیه نظام فاسد فعل مبارزه میکنند ولی ارتجاع افغانستان از جمله باسوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم، جمعیتی بنام «اخوان المسلمین» بوجود آورده‌اند که بصورت بانده سیاه تبهکاری بکشور آزادخواهان مشغول است. این جمعیت ارتجاعی که از طریق دربار افغانستان حمایت میشود تاکنون موجب قتل عده زیادی از مردم و پوششگران انقلابی شده است. مردم افغانستان بدستی اسم این جمعیت را «اخوان الشیاطین» گذاشته‌اند. حملات این جمعیت اغلب متوجه دانش آموزان و دانشجویان روشنفکر است. و اخیراً طی حمله مسلحانه‌ای که بعمل آورده‌اند، پنج نفر از مبارزین، از جمله سیدال، روشنفکر و شاعر انقلابی افغانستان را بقتل رسانیده‌اند. قابل توجه است که رژیم ارتجاعی شاه ایران، از نظر سیاسی - اقتصادی در این جنایات واستثمار سهیم میباشد. سرمایه داران وابسته بامپریالیسم و ماموران سازمان «امنیت» رژیم ایران فعالیت شدیدی در آنکشور دارند. ازجمله مطلع شده‌ایم که جریده ملت چاپ افغانستان را بعلت اینکه مقاله‌ای علیه تجاوزات رژیم شاه نوشته است بدستور سفارت ایران توقیف کرده و مسئول آنرا محاکمه کرده‌اند.

سلازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور ضمن ابراز همدردی و همبستگی عمیق با مردم بردار افغانستان، پشتیبانی انقلابی خود را نسبت بسازمانهای مترقی و مبارز افغانستان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام میدارد. مرگ برامپریالیسم مرگ بر رژیمهای سلطنتی.

روزنامه نیویورک تایمز ۱۳-۸-۷۲ ضمن مقاله‌ای که راجع باوضاع و احوال ویتنام نوشته، ازجمله افشام کرده است که جلاخان رژیم شاه در شکنجه و اختناق رژیم دست نشانده سایگون همکاری دارند. ماموران رژیم شاه در زندانهای «کونسوان» در ویتنام، هم‌اکنون جانی که دونفر از اعضای سنای امریکا شکنجه گاه و زندانهای مخصوص تحت عنوان (قفسهای ببر) مشاهده و گزارش داده بودند، مشغول جنایت هستند. در این محل رژیم سایگون زندانهای انفرادی وحشتناکی درست کرده که تاریخ همانندش را ندیده است.

## تذکر

در مورد خبر «حسینیة ارشاد» مندرجه در شماره ۲۶ باختر امروز تصحیح و تذکر زیر بما داده شده که قسمتی را عیناً درج میکنیم.

در یکی از جلساتی که مصادف بود با یک یا دو روز پس از محکومیت رهبران سازمان مجاهدین خلق - محمد حنیف نژاد، سعید محسن، بدیع زادگان، مشکین قام و عسکری زاده به اعدام - دکتر شریعتی در شروع سخنانش گفت که بعلی و هیجانی که در این چند روزه بر من مستولی شده قادر نیستیم به درس ادامه دهم و فکر میکنم لازم است این موضوع مطرح شود که، آیا این مطالعات تئوریک و این درسهای ایدئولوژیک ما را از عمل دور نمیکند و باعث دور شدن ما از واقعیات زندگی و از خود بیگانه شدن ما نمیشود؟ و در این مورد از دانشجویان اظهار نظر و جواب میطلبید. پس از یکساعت و نیمی که از توضیحاتش در این زمینه گذشت یکی از بانوان جوان از طبقه بالا با صدائی بسیار مهیج چنین گفت: استاد، الان موقع دست روی دست گذاشتن نیست. الان وقت انقلاب است. مجاهدین عزیز اسلام و بهترین فرزندان ایران را دارند یکی پس از دیگری میکشند...

صدای این شیر زن بقدری مهیج بود که اشک در چشمان بسیاری حلقه زد. مردم شروع کردند به کف زدن. پس از آن دکتر برای مدتی طولانی ساکت شد و پس خاتمه هیجان مجلس با لحنی بسیار آرام به سخنانش ادامه داد. پس از این جریان دکتر شریعتی به سازمان امنیت احضار شد و از جزئیات آن هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

### تکذیب

اخیراً نشریه‌ای در خارج ازکشور تحت عنوان ۱۹ بهمن انتشار می‌یابد. جریده‌ای بنام (راه اتحاد) از سازمان مجاهدین خلقی ایران منتسب کرده است. مسوولین سازمان مزبور اطلاع میدهند که نشریه مزبور بانها تعلق ندارد.

## جاوید باد خاطره دلاوران خلق

برگزاری اعتصابات و تظاهرات دانشجویی نقش فعالی ایفا می‌نمود.

بعد از تحصیل بملت یکسال ونیم باجبار خدمت سربازی را گذراند و پس از پایان این دوره در شرکت تولید دارو استخدام شد. او با اینکه ماهیانه در حدود پنجاه هزار ریال حقوق میگرفت، باکمال صرفه چونی زندگی میکرد و قسمت عمده درآمد خود را صرف پیشبرد هدفهای انقلابی خود می‌نمود. هرچه داشت در اختیار تشکیلات انقلابی خود قرار میداد. بطور نمونه، پس از دستگیری او، اتومبیل فلکس واگن او بعنوان اموال سازمان چریکهای فدائی خلق بتصرف سازمان امنیت درآمد. برادر او، علی دلیل صفائی اینک باتهام وابستگی به چریکهای فدائی خلق در زندان بسر میبرد. علی دلیل صفائی دانشجوی اخرجی هنر سرریالی نارمک است. مهندس سیف دلیل صفائی، پشت یکی از عکسهای خود که بدوستانش هدیه کرده بود، نوشتن ما زنده برآیم که آرام نگیریم - موجدیم که آسودگی ما عدم ناست.

مهندس هادی فاضل:

در فیروز آباد فارس متولد شده و دوره ابتدائی

و متوسطه را در استان فارس بپایان رسانید. در سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده پلی تکنیک شد و طی دوران تحصیلات دانشگاهی یکی از مهمترین گردانندگان مبارزات دانشگاهی بود. در سال ۱۳۴۵ در رشته برق از دانشکده مزبور فارغ التحصیل شد و بعد از خدمت سربازی، در وزارت آب و برق استخدام شد. تمام همکاران او در اداره مزبور باو بعنوان یک انسان بزرگ یاد میکنند. مهندس فاضلی با مهندس سیف دلیل صفائی در یک منزل زندگی میکردند. او نیز مثل رفیقش باصرفه چونی زندگی میکرد و درآمد خود را صرف تدارک مبارزه انقلابی می‌نمود. او اعتقاد داشت هر فردی که آگاه باشد انقلابی میشود، و هر فرد انقلابی منتظر دیگران نمی ماند. و بدوستانش میگفت مهم اینستکه ما در راه انقلاب حرکت کنیم، حقانین راه ما، دیگران را بحرکت در میاورد.

مهندس معینی عراقی:

این فرزند انقلابی خلق در اراک متولد شد و پس از گذراندن دوره ابتدائی و متوسطه در اراک و تهران در سال ۱۳۴۱ در رشته مهندسی برق در پلی تکنیک مشغول تحصیل شد. او نیز مثل سایر همزمان چریکهای فدائی خلق در دوران تحصیلات دانشگاهی از فعالین برجسته مبارزات اجتماعی بود. او در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل شد و قصد داشت برای تحصیل بامریکا برود، ولی آگاهی سیاسی و وجدان انقلابی باعث گردید که همراه سایر دوستان مبارزش در راه انقلاب مسلحانه در ایران قدم بردارد. اعتقاد انقلاب، و ایمان به نقش تاریخی که برعهده پیشاهنگان انقلابست موجب گردید که همراه گروه معروف به سیاهکل قدم در راه مبارزه‌ای جدی بگذارد. برادر او نیز باتهام وابستگی بسازمان چریکهای فدائی خلق زندان بسر میبرد و برادر شهیدش عشق میوزد درود بقهرمانان پیشاهنگ خلق که در راه تار و خدمت بزحمتکشانش ایران خود را فدا کردند.

### تداوم انقلابی ...

لاجرم دست خود را هر روز به خون عده دیگری فرزندان خلق آغشته میکند.

ولی چگونه شاه و اربابان او - با وجود ناتوانی خود در مبارزه با آن - خطر را خوب تشخیص داده‌اند. تداوم را - چطور کسانی که بینشان و ساخت فکریشان اجازه دید دراز مدت صحیح را بانها نمید این خطر را شناخته اند؟ جواب این سؤال را شاید در «قیاس بنفس» آنها جستجو کرد. آیا غلبت نیست که شاه و اربابانش میدانند که مس تداوم، در ضد انقلاب، چه نقش گرانبهایی برای بازی کرده است و ۳۱ سال سلطنت توانسته تضادهای میان طبقه حاکمه را تحت الشعاع قدرت قرار دهد؟ آیا تجربه دیم در ویتنام برای آنها در نبوده است؟ و آیا این نیست که شاه و ارباباش علمی که به ضعف و فساد و تشتت نیروهای پشت خود دارند وضع خویش را چنان می‌بینند که میدانند در صورت از بین رفتن سر حلقه تداوم ضد انقلاب موجودیت کل سیستم آنها در معرض خطر و انحط قرار میگردد؟ و آیا این خود درس دیگری نیست مکتب مبارزات خلق نشان داده است؟

نشانی پستی  
P.O. Box 7229  
Beirut, Lebanon

نشانی بانکی  
Chase Manhattan Bank  
Beirut, Lebanon  
Account L-13896

بهانه  
ایران ۲ ریال  
لبنان ۱۵ فروش  
عراق ۱۰ فلس  
کویت ۱ فلس  
ترکیه ۲۵ فروش

# ظفر مند باد جنک عادلانه خلق